

تصویر و کلمه: رویگردهایی به شمایل‌شناسی

امیر نصری



نشر چشمه

www.cheshmeh.com

info@cheshmeh.com

cheshmeh@cheshmeh.com

تصویر ۱۱

فهرست

۹	پیش‌گفتار
	کلمه‌ها و تصویرها: اروین پانوفسکی
۱۴	محتوای تصاویر
۱۸	تاریخچه‌ی مطالعات شمایل‌نگارانه و شمایل‌شناسانه
۲۱	میراث هنر رنسانس در مطالعه‌ی تصویر
۲۴	مراتب خوانش تصویر
۳۶	پانوفسکی در هجوم منتقدان
	اطلس تصاویر: آبی واربورگ
۴۳	شمایل‌شناسی دیالکتیکی
۴۵	دگردیسی تاریخ هنر به تاریخ تصویر
۵۰	تاریخ هنر به منزله‌ی رشته‌ای پاتولوژیک
۵۵	مموزینه
	تثلیث تصویر، جسم و رسانه: هانس بلتینگ
۶۴	انسان‌شناسی تصویر
۷۳	تصویر، جسم و رسانه
۹۵	تجسم، جان‌بخشی و نگاه
۱۰۱	شمایل‌شناسی جدید
	ناف تصویر: میکه بال
۱۰۵	تاریخ هنر و مسئله‌ی معنا
۱۰۹	گرده‌افشانی معنا

را تحت عنوان «شمایل» طبقه‌بندی کرد. همچنین، استفاده از لفظ «شمایل» در سنت‌های مذهبی — برای مثال تعبیری همچون «شمایل‌های شیعی» یا «شمایل‌هایی بودایی» و مواردی از این دست — یا به معنای عام این اصطلاح و به معنای تصویر اشاره دارند یا استفاده از آن‌ها از سر تسامح بوده است. احتمالاً این ترکیب‌ها براساس ترکیب «شمایل‌های بیزانسی» یا «شمایل‌های شرق مسیحی» پدید آمده‌اند. همچنین می‌توان اذعان کرد که مقصود از عباراتی چون «شمایل‌های شیعی» و عباراتی نظیر آن همان «شمایل‌نگاری شیعی» است، چرا که لفظ «شمایل» در سنت شرق مبنای الیهاتی منحصر به فردی دارد که نمی‌توان آن مبنای را در سنت‌های مذهبی دیگر ملاحظه کرد. (نصری، ۱۳۸۸: فصل دوم)

شمایل‌نگاری به هنر یا مذهب و آیین خاصی اختصاص ندارد، همه‌ی هنرها و بیش‌تر مذاهب و آیین‌ها، از کهن‌ترین ادوار تا روزگار ما، از شمایل‌نگاری بهره‌جسته‌اند. حتی در یهودیت که منع شمایل و شمایل‌شکنی^۱ وجود دارد نیز شاهد رویکرد شمایل‌نگارانه هستیم. برای نمونه، «شمعدان هفت‌شاخه»^۲ یهودیان نمونه‌ای از شمایل‌نگاری در این دین است. همچنان که در این نمونه مشخص می‌شود، شمایل‌نگاری به هیچ‌وجه صرفاً به وجه «فیگوراتیو»^۳ اختصاص ندارد و شامل وجه «نیمه‌فیگوراتیو»^۴ و نیمه‌انتزاعی تصویر نیز می‌شود. میان دو اصطلاح «شمایل‌نگاری» و «شمایل‌شناسی»^۵ نیز در ادبیات هنرهای دیداری تمایزی وجود دارد. این تمایز را نخست می‌توان در ریشه‌ی لغوی آن‌ها یافت.

ریشه‌ی واژه‌ی (icon) به واژه‌ی یونانی «eikon» باز می‌گردد که در این زبان به معنای تصویر است و شامل هر امر تصویری می‌شود. بنابراین فقط به نقاشی اختصاص ندارد، بلکه حتی مجسمه و خوشنویسی را نیز در بر می‌گیرد. (Straten, 2000: 3) واژه‌ی «graphy» به معنای حک کردن، تصویر و ترسیم کردن است که از واژه‌ی یونانی «graphein» گرفته شده و واژه‌ی «logy» از واژه‌ی یونانی «logos» به معنای شناختن آمده است. (Panofsky, 1955: 32) بنابراین

1. iconoclasm 2. figurative 3. semi-figurative 4. iconology

کلمه‌ها و تصاویرها: اروین پانوفسکی

محتوای تصاویر

در مواجهه با آثار هنری معمولاً این پرسش مطرح می‌شود که «موضوع یا محتوای این اثر هنری چیست؟» شمایل‌نگاری که یکی از حوزه‌های مطالعاتی تاریخ هنر است، در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش رایج است. از این حیث شمایل‌نگاری را می‌توان حوزه‌ای از تاریخ هنر دانست که به موتیف‌ها، معانی و محتوای هنرهای تجسمی می‌پردازد. اما پیش از آن که به بحث دقیق‌تری در این باب پردازیم لازم است دو اصطلاح «شمایل»^۱ و «شمایل‌نگاری»^۲ را از هم تفکیک کنیم. غالباً میان این دو اصطلاح خلط می‌شود و به تفاوت آن‌ها توجهی نمی‌شود. در حالی که تفکیک دقیقی میان این دو واژه وجود دارد و نمی‌توان یکی را به جای دیگری به کار برد. در ادامه، به اختصار به وجوه اختلاف این دو اصطلاح اشاره می‌کنم و سپس بحث را با بسط معنای اصطلاح «شمایل‌نگاری» پی می‌گیرم.

واژه‌ی «شمایل»، به معنای اخص، به مسیحیت شرقی یا بیزانسی اختصاص دارد و پس از فروپاشی امپراتوری بیزانس در هنر مذهبی روسیه‌ی ارتدکس ادامه می‌یابد. این اصطلاح، در معنای خاص خود، به هیچ‌وجه به کل مسیحیت اختصاص ندارد. بنابراین، نمی‌توان نقاشی‌های مذهبی غرب مسیحی

1. icon 2. iconography